

راهنمایی معارف سجادیه

روز شنبه ۱۳۷۹/۵/۱ برابر با بیستم ربیع‌الثانی ۱۴۲۱

از حدود ساعت ۹ الی ۱۱/۳۰ صبح

مشهد مقدس، خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۱۰

در بدو ورود با برخورد بسیار خوب دفتردار که مردی مسن بود مواجه شدم؛ البته با توجه به امکاناتشان در اتاق ورودی به مدرسه سه میز قرار داشت که ظاهراً دو تای آن مربوط به حسابداری بود و یکی مربوط به مراجعین و پاسخ به تلفن‌ها. گرچه در جریان کار به نظرم آمد که یک تلفن مستقیماً به دفتر مدیر مؤسسه یعنی جناب آقای خطیبی وصل است!

این که ساختمان مسکونی تبدیل به مدرسه شده کاملاً مشهور است. اما با توجه به داشته‌هایشان مدرسه‌ی خوب و فعال و شادابی است؛ مدیر محترم فردی روحانی است و خود را از فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی علوی تهران معرفی می‌نماید.

آن چه به نظر اولیه روشن می‌شود آن است که تمامی کارهای جزئی و کلی مدرسه زیر نظر مدیریت است. حتی در مدتی که من در دفتر ایشان بودم بچه‌ها مبالغی را برای ایشان می‌آوردند و بقیه‌ایش را می‌گرفتند و خلاصه کار مالی بچه‌ها هم در حد ۱۰۰ یا ۲۰۰ تومان هم از نظر ایشان دور نبود و از طرف دیگر سپردن

^۱ - روشن است که در مطالعه‌ی این بازدید و دیگر بازدیدها، باید به تاریخ آن توجه نمود. کمتر مجموعه‌ی فرهنگی ایست که در طی سال‌ها با توجه به تجربیات جدید و شرایط نو، تغییرات قابل توجهی نکرده باشد، ضمن آن که هر چه گزارش می‌شود مشاهدات و برداشتهای نگارنده (سیدمحمد خردمند) است و ممکن است دست اندرکاران، مطالب را به شکلی دیگر گزارش نمایند.

به خدمتگذار مدرسه برای پرس و جو از حساب بانکی و همچنین پیگیری جهت تهیه بلیط برای یکی از معلمان، نظارت بر بچه ها در حیاط به هنگام زنگ تفریح و هدایت آنها تا سرویس های رفتن به اردو و پس از خوردن زنگ، گفتگو و ثبت نام خانواده ها، دادن برگه برای پرکردن برای برخی افراد، نگه داشتن یا فرستادن بچه ها به کلاس و ... همه ی این ها در همان زمان کوتاه بازدید من از مدرسه رخ داد!

به نظرم می رسد با داشتن نقاط مثبت و منفی این سبک مدیریت، مسائل چندی این سبک را تقویت و حفظ کرده است که از آن جمله است: (۱) کمی نیروی انسانی مدرسه؛ (۲) شادابی و علاقه ی آقای خطیبی؛ (۳) تازه کار بودن مدرسه و نیاز به اداهای مستقیم آقای خطیبی جهت شکل دادن اولین حرکتها (تأسیس ۷۴)؛ (۴) برخورد بسیار خوب و حساب شده ی آقای خطیبی با بچه ها و علاقه ی آن ها به ایشان و ... که شاید آن چه به ذهن نمی رسید یا ثبت نشده عوامل مهمتری باشد، اما به نظرم نکاتی چند به این سبک مدیریت آقای خطیبی انجامیده که از دید من بازدیدکننده جالب بود!

در ادامه به جهت اختصار چند جمله ای از فرمایشات آقای خطیبی در پرسش و پاسخها و گزارشات به بیان می شود:

۱. کلیات کار ما همان است که ما در تهران در مدرسه ی نیکان و علوی و احسان بازدید کردیم و اصلاً برای شروع کارمان از بازدید آن جا شروع کردیم.

۲. در مسائل آموزشی، سال گذشته مدرسه در مشهد اول شده است.

۳. در مسائل دینی باید پس از فارغ التحصیل شدن چند دوره نقاط قوت و ضعفمان را پیدا کنیم و آن چه الان انجام می دهیم اصلاح کنیم و بعضی قسمتها را تقویت نماییم.

۴. ما روی مسائل ظاهری مثل موی سر خود را معطل نمی کنیم؛ بچه ها ظاهر معمولی دارند اما اگر تقلیدی یا جلف لباس بپوشند یا اصلاح نا مناسبی داشته باشند جلوگیری می کنیم.

۵. در ورود تنشهای سیاسی به مدرسه، به طور جدی می‌ایستیم و به خانواده‌ها هم گفته‌ایم و حتی یک سال به جهت آن که یکی از بچه‌ها مشکل زاده شده بود عذرش را خواستیم؛ مدرسه و بچه‌ها را به مشکل انداخته بود!

۶. در مسائل موسیقی و شطرنج هم حسابی محکم هستیم؛ بعضی به ما گفته‌اند این قدر صریح نگویید، اما ما حرفمان را زده‌ایم و می‌زنیم؛ وظیفه‌ی شرعی ما است، شطرنج تا به حال حرام بوده و حرام خواهد بود. حدود کار ما شرع است و مسائل دینی. چون خانواده‌ها ما را به جهت مسائل دینی انتخاب کرده‌اند، بنابراین ما هم در این زمینه دقت زیادی باید به خرج دهیم.

۷. در پذیرش مادران با مانتو و روسری سخت نمی‌گیریم به شرط آن که آن‌ها دقت‌های نسبی‌ای را داشته باشند و بپذیرد که در جلسات ما با چادر بیاید و الان هم چند نفری داریم.

۸. به نظرمان مدرسه تأثیر خوبی را در خانواده‌ها گذاشته است.

۹. چهارشنبه سوری ما بچه‌ها را دو روز بردیم اردوی نیشابور. آن جا رفتند وسط بیابان، ترقه زدند و خلاصه خود را خالی کردند.

۱۰. در مسائل مذهبی از لحاظ برنامه‌ی جذاب نیاز به کار بیشتری است! اعتقاد آن است که ما باید دو کار انجام دهیم؛ اول تا آن جا که می‌توانیم محبت بچه‌ها را نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام زیاد کنیم و بعد هم تا آن جا که می‌توانیم به بچه‌ها بینش دهیم؛ ... باید بچه‌ها را هیأتی بار بیاوریم.

۱۱. امسال اولین سال دبیرستان ما خواهد بود، با ۸۵ دانش‌آموز؛ در راهنمایی ما ۶۰ نفر اول، ۵۰ نفر دوم و ۵۰ نفر سوم داریم.

۱۲. فقط ۳ معلم راهنمای تمام وقت هستند که خودم راهنمایی دوم را بر عهده دارم؛ ۲۵ معلم پاره وقت داریم. خود من دینی و قرآن دوم و سوم را می‌گویم.

۱۳. هر کدام از بچه‌ها یک کمد کوچک اختصاصی در مدرسه دارند.

۱۴. مدرسه سال گذشته ناظم نداشته چون نوعاً بین کار معلم راهنما و نظامت تداخل پیش می‌آمد، اما به فکر هستیم به جهت سبک‌تر کردن کار معلمان راهنما که البته کمک هم دارند، یک نظامت برای مدرسه بیاوریم تا امور انضباطی بچه‌ها را پیگیری کند.

۱۵. جدولی برای فعالیت‌های تابستان‌ها داریم.

۱۶. هر کلاس یک تلویزیون دارد که از سیستم مرکزی کنترل می‌شود. برنامه‌ی صبحگاه مشترک و ۱۵ دقیقه است و تواشیح، قرآن یا دعایی مناسب ایام به شکل کامپیوتری پخش می‌شود که تولید خود مدرسه است.

۱۷. هر ماه برای مادران جلساتی است.^۲

... و بنده‌ی بازدیدکننده در مجموع مدرسه را شاداب، با شروعی خوب ارزیابی کردم؛ امید که با عنایات حضرت ولی عصر ارواحنا فداه سربازان دین و مدافعان مکتب حقه‌ی تشیع در این مؤسسه پرویش یابند و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را یاور باشند.

^۲ - سال‌ها بعد آقای خطیبی نگارنده را برای جلسات اولیایشان دعوت کردند ولی یادشان از این بازدید مربوط به حدود هفت سال قبل نبود! در طی آن جلسات آشنایی بیشتری با مدرسه پیدا کردم و حتی در دو تا از جلسات فارغ‌التحصیلان شان شرکت کردم. فارغ‌التحصیلانی که شاید در زمان بازدید هنوز دبستانی بودند و وارد این مجموعه نشده بودند.
بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین ...